

یادی از چهره تابناک علم و فرهنگ

علامه حبیبی ص ۲

دخوشحال په شرکي د اورنگ زیب خیره

مخ ۳

Ketabton.com

سال هشتم، دور چهارم، شماره پيهم هشتاد و هفتم

اول اگست ۲۰۰۹ میلادی

عليه تروريزم، از امريکا باج ميگيرد

یادی از چهره تابناک علم و فرهنگ، علامه حبیبی

نثار احمد صد



۱۲ - تاریخ مختصر افغانستان (جلد های اول و دوم ۱۳۵۶ دري).

۱۳ - افغانستان بعد از اسلام ۱۳۵۷ در تهران نیز چاپ شده است - دري.

۱۴ - مشاهیر اندالیان (دري).

۱۵ - مورخان گمنام افغان (دري).

۱۶ - جنبش مشروطیت در افغانستان (اثر واپسین علامه حبیبی ۱۳۶۳ دري).

علامه حبیبی که دانشمند کثیرالابعادی، یعنی ادیب، تاریخ نویس، شاعر، نویسنده، ژورنالیست، زبان شناس، متعارف جغرافیه باستانی و رادمردان نامی آن بود، همواره با فرهنگ کشور عشق سرشاری داشت. در اثر کاوشها، پژوهشها و زحمات فراوان

شباروزی خود صدها نکته ناگفته، مبهم و تاریک را در تاریخ و فرهنگ کشور روشن نمود و کارنامه هایی درین بخش دانش از خود باقی گذاشت که نامش و یادش را در پرا

زنده و جاوید نگه خواهد داشت. پوهاند حبیبی همیشه در سیمبیارهای علمی بسوی ملی و بین المللی اشتراک فعال و همواره در جبه محافلی افتخار صدرنشینی را بر عهده میداشت.

علامه حبیبی جسماً از جهان رفت لیک یاد و نام او ابداً در قلوب دانش پژوهان افغان و غیر افغان جاویدانه خواهد ماند، در عربی یک مقوله است که گوید: موت العالم موت العالم یعنی وفات یک دانشمند، وفات عالم است.

علامه حبیبی از پژوهندگان صاحب نظر و کاوشگران ژرفنگر و آموزگار بس صمیمی بود که برای دست یافتن به حقایق تاریخی و رمز فرهنگی با سبرومندی و فرزانیگی ایکه داشت همه گونه تلاش عالمانه را بکار می بست، از پیر و آثار تدوین کرده و تصحیح شد

این فرهیخته پرمایه در کلیه سیادهای علمی کشور، منطقه و جهان بحث مراجع با اعتبار و مستدل قبول شده و پژوهشگران حلقه های تحقیقی زبان، فرهنگ و تاریخ از این داشته ها سود می برند و مستفید می شوند.

علامه حبیبی در دوران زندگی علمی و فرهنگی اش تقریباً برای مدت شصت سال بیش از یکصد و سی و دو کتاب و رساله نشت و نیز متون قدیم پشتو و دری را به شیوه های امروزی پژوهش تهیه، ترتیب و تحقیق نموده، در حدود هشتصد نشته کوتاه ولی خیلی ها پر ارزش را بسیادگار گذاشته که بگونه مقالات در نشریه های موقت کشور و منطقه منتشر شده است. البته آثار نشر نشده زیادی نیز از استاد باقی مانده است که دستویس ها و مسودات آن در گنجینه پر بهای آثارش نگهداری میشود. ■

۱۸ - تصحیح، تحشیه و مقابله مختصر وافی بقواعد قوافی ۱۳۶۳ ش، (دري).

علامه حبیبی همچنان در تراجم برخی آثار قدیم و ارزشمند نیز کمر همت بسته و مصدر خدمات شایانی برای حلقه های دانش و بیش ماورای خود گردیده، از آنجمله هست.

۱ - سبچاره گان سرگردانده سبویان اثر نویسنده شهر فرانسوی ویکتور هوگو، بزبان پشتو (که بعد از ۱۳۱۰ ش بطور مسلسل در جریده طلوع افغان بچاپ رسیده است.

۲ - د البیرونی کتاب هند اثر احمد سعید خان که از انگلیسی به پشتو برگردانده شده، ۱۳۵۲ ش. البته در تصحیح و اکمال کتاب نیز بوجه احسن اصلاحات لازمی ضم گردیده است.

۳ - چهار مقاله بر فردوسی و شاهنامه اثر پروفیسور محمود خان شیرانی که از اردو بزبان فارسی برگردانده شده است (۱۳۵۵ ش). در این ترجمه تحشیه و تفاسیل پوهاند حبیبی بر اهمیت و کیفیت کتاب بیش از پیش افزوده است.

۴ - زندگینامه بوعلی سینا که اثر شاگرد شیخ الریس ابوعلی سینای بلخی (ابو سعید جوزجانی) بوده، پوهاند حبیبی از عربی طور انتقادی به فارسی برگردانده و بعلاوه ترجمه آن تحشیه، تعلیقات و مقدمه نهایت آموزنده ایشان به کتاب ارح فراوان میگذازد (۱۳۵۹ ش).

علامه حبیبی تألفات و آثار بس نافع و در حوز اعتدایی را که همواره جامع، پر محتوی و خیلی ها ارزشمند بوده به مردم کشور، منطقه و حتی حلقه های علمی و فرهنگی گیتی تقدیم داشته است. برخی از این میراث فرهنگی استاد حبیبی مختصراً چنین بر شمرده میشود:

۱ - پیغام شهید (مثنوی دری بوده و در سال ۱۳۱۴ ش چاپ شده است.

۲ - غزله (مثنوی دری، سال چاپ ۱۳۱۵ ش).

۳ - پسرلی سدری (اثر منظوم به پشتو ۱۳۱۷.

۴ - پینشانه شعراً (در دو جلد بزبان پشتو که جلد اول آن در ۱۳۲۰ بچاپ رسیده است.

۵ - د پشتو ادبیاتو تاریخ (جلد اول: ۱۳۲۵، با اضافات، چاپ دوم در ۱۳۵۴ پشتو.

۶ - د پشتو ادبیاتو تاریخ (جلد دوم در سال ۱۳۲۹ از طریق شماره های مسلسل مجله کابل چاپ و بصورت کتاب در ۱۳۳۸ ش و چاپ دوم با اضافات در ۱۳۴۲ مجدداً چاپ گردید پشتو.

۷ - تاریخ افغانستان در عصر گورگانی هند (۱۳۴۱ دري).

۸ - متون دری ۱۳۴۶ مجموعه نوت های درسی برای صف سوم پوهنځي ادبیات.

۹ - تصوف ۱۳۴۶ مجموعه نوت های تدریسی برای محصلین پوهنځي ادبیات دری.

۱۰ - د پښتو ادب تاریخ ۱۳۴۷ مجموعه نوت های درسی برای صف سوم پوهنځي ادبیات.

۱۱ - د پښتو ادب لند تاریخ ۱۳۴۷ مجموعه نوت های درسی برای صف چهارم پوهنځي ادبیات.

باستان را حایز بود که این امر منجر به تنوع و تعدد مدارک و مأخذها در هر نوشته وی میگردد و بدون تردید بر ثقه بودن، مستند بودن و معتبر بودن هر اثر پوهاند حبیبی اهمیت شایانی گذاشته است.

شمار یاد داشت ها و تعلیق ها و حواشی و تصحیحات و تراجم و مقالات پوهاند حبیبی زیاد بوده البته در میان کارهای تحقیقی و سعی شادروان حبیبی تصحیح و تحشیه و تعلیق و مقابل چند متن معتبر کلاسیک و نایاب از همه برجسته تر و مشخصتر اند که نام برخی از آنها بدین قرار میباشد.

۱ - تصحیح و مقابله دیوان خوشحال ختک، ۱۳۱۷ ش در کندهار (پشتو).

۲ - تصحیح و تحشیه دیوان عبدالقادر ختک، ۱۳۱۷ ش، کندهار (پشتو).

۳ - تصحیح، تحشیه و مقابله دیوان لوی احمد شاه بابا، ۱۳۱۹ ش (پشتو).

۴ - تصحیح و تحشیه و تعلیق و ترجمه پته خزانه که بارها مورد مباحثه و ارزشیابی حاسدین و بدخواهان فرار گرفته و استاد با درایت، حوصله مندی و سربلندی محض از همه آن مؤفق بدر آمده.

(۱۳۲۲ ش) و در سالهای ۱۳۴۰ - ۱۳۵۴ و ۱۳۵۷ بعدتر نیز تجدید چاپ شده است.

[دری] این وثیق نادر بعداً به زبانهای روسی، انگلیسی و آلمانی نیز ترجمه شده است.

۵ - تصحیح، تحشیه و مقابله طقات ناصری (جلد اول در ۱۳۲۸ در کویت و جلد دوم در ۱۳۳۳ در لاهور چاپ شده و نیز بار دوم با زوایدی، جلد اول در سال ۱۳۴۲ و جلد دوم آن در ۱۳۴۳ در کابل بچاپ رسیده است) (دري).

۶ - تصحیح و تحشیه و مقابله تازه نوای معارک، ۱۳۳۹ ش، چپ کراچی (دري).

۷ - تصحیح و تحشیه و مقابله طبقات الصوفیه ۱۳۴۲ ش [دری] و نیز به اهتمام حسین آهی در ۱۳۶۲ ش بار دوم در تهران بچاپ رسیده است.

۸ - تصحیح و تحشیه و تعلیق و مقابله زین الاخبار ۱۳۴۷ ش، تهران (دري).

۹ - تصحیح و تحشیه و تعلیق فضایل سلخ ۱۳۴۸ ش، در تهران (دري).

۱۰ - تصحیح، تحشیه و مقدمه صد میدان ۱۳۴۱ ش، (دري).

۱۱ - تصحیح، تحشیه و مقدمه سر رشته طریقه خواجگان ۱۳۴۳ ش، (دري).

۱۲ - تصحیح، تحشیه و تعلیق السواد الاعظم ۱۳۴۸ ش، در تهران

۱۳ - تحشیه و مقدمه شرح سبیین مثنوی ۱۳۵۱ ش، (دري).

۱۴ - تحشیه و مقابله حدیقه الحقیقه ۱۳۵۶ ش، (دري).

۱۵ - تحشیه و مقابله سواتنامه ش، (پشتو).

۱۶ - تحشیه، تعلیق و مقدمه روضه الفریقین ۱۳۵۸ ش، در تهران (دري).

۱۷ - تحشیه و تعلیق تذکرت الاولیا ۱۳۶۱ ش، (پشتو).

البته این اثر ارزشمند توسط علامه حبیبی در ۱۳۱۹ ش و بعد در ۱۳۲۰ با ترتیب در سالنامه کابل و در پینشانه شعراً بچاپ رسیده بود.

عهده دار بود.

مشاغل دیگر استاد حبیبی عبارت اند از: بحث و کیل تجار افغانی در چمن پاکستان، بحث نماینده انتخابی مردم آزادی دوست کندهار در دوره هفتم شورای ملی، برای تقریباً سه سال مدیر مؤل مجله کابل، رییس انجمن تاریخ افغانستان از ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰ ش بحث استاد دیپارتمنت پشتو و دری در پوهنځي ادبیات پوهنتون کابل و نیز برای مدت زیادی ریاست دیپارتمنت پشتوی این پوهنځي. در سال ۱۳۵۷ برای مدت یکسال بحث استاد دوره ماستری ادبیات پشتو و دری ایفای وظیفه نمود.

استاد حبیبی در اثر خدمات والای خود در ساحه معارف و علم مؤفق به دریافت نشان درجه دوم معارف شده و در سال ۱۳۴۴ ش از طرف پوهنتون کابل مفتخر به درج علمی پوهاند گردید که این امر بسدون تردید از سوی تمام استادان و دانشوران پوهنتون کابل با استقبال شایانی مواجه شد.

استاد حبیبی در وقت بیک کارمل سمت مشاوریت در قسمت تاریخ در کمیته دولتی کلتور را عهده دار شد؛ ولی برای مدت تقریباً چهارده سال با آلام مریضی قلبی رویاروی بود که بعد از تاریخ شش عقرب ۱۳۶۲ برای مدت تقریباً شش و نیم ماه در بستر واپسین زندگانی فرو رفت تا اینکه سرور چهارشنبه بیستم ماه ثور ۱۳۶۳ ش بعمر ۷۸ سالگی به جاودانگان پیوست و حارة شان در شهدای صالحین (رح) بخاک سپرده شد.

نکات چند در مورد فعالیت ها و پژوهش های فرهنگی و ادبی علامه حبیبی:

پوهاند عبدالحی حبیبی رادمرد بزرگ دانش و ادب همواره بمثابة ستاره روشننگر راه فرهنگ و ادب، مقام شامخ خود را در کشور حفظ نموده است.

عبارة دیگر استاد حبیبی یکی از ارکان استوار علم و فرهنگ و از مفاخر بزرگ و نامی این سرزمین در روزگار ما بود؛ چه مقام رفیع این بزرگمرد نه تنها در حلقه های علمی کشور ما بلکه در سرتاسر جهان شناخته شده و هم بر آن ارج میگذازند و به اهمیت آن معترف اند.

استاد حبیبی نستوه مرد پژوهش و جوش بود، تمامی حیات خود را در راه احیای تاریخ و ادب کشور و زنده گردانیدن نامهای مفاخر وطن در جستجوهای پیگیر و بسی توقف گذرانید. این پویشها و جوشها شمار قابل توجهی از کتب و رسالات و مقالات اند که از وی بر جای مانده و صدها نکته ناگفته و ناشنیده را در باره تاریخ و ادب این سرزمین میتوان از لابلای این بازمانده ها و یاد داشت ها بدست آورد.

ایجادیات مرحوم علامه حبیبی بیشتر در زمینه های تاریخ، ادبیات، زبانشناسی، جغرافیه و شناسایی نام آوران این مرز و بوم است که عمدتاً بزبانهای دری و پشتو و ندرتاً به زبانهای اردو و عربی تحریر یافته اند.

استاد حبیبی بعلاوه زبانهای پشتو و دری، تسلط کامل بر زبانهای اردو، عربی و انگلیسی، سانسکریت و احتمالاً یونانی

دانشمند، پیشمند و اندیشمند سترگ ادب و فضل، پوهاند عبدالحی حبیبی یکی از پیشازان فرهنگ معاصر کشور مان محسوب میگردد.

پوهاند حبیبی به سال ۱۳۲۸ هجری قمری در شهر تاریخی و حماسه آفرین کندهار دیده به جهان گشود. وی پسر عبدالحق کاکړ یکی اعضای دودمان روشن دماغ و آگاه و در عین حال سبزه جو بسایب عدالتی و مطلق العنانی، که توانست در سال ۱۳۰۴ شمسی از صف پنجم فارغ و نظر به استعداد و ذکاوت خاصی که داشت در همان سال بحث معلم در شهر کندهار تقرر یابد.

استاد حبیبی بلادرنگ آغاز گزینش و قلم فرسایی گردیده و وارد سلسله مقالات سودمند تحقیقی و اشعار در جریده طلوع افغان در کندهار شد.

وی در سال ۱۳۰۶ شمسی بحث معاون جریده طلوع افغان و از سال ۱۳۱۰ تا ۱۳۱۹ ش منبیت مدیر مؤل همان جریده ایفای وظیفه نموده که این پست را با موفقیت و به گونه ابتکاری مداوم بخشید.

علامه حبیبی در این مدت، مصدر خدمات سترگ ادبی و پژوهشی گردیده است. در این زمان تدریس زبان پشتو برای کارمندان دولت، اداره و نظارت بر استادان آن رسماً بعهد استاد حبیبی بود؛ بخاطر بکه مدیران مؤل روزنامه ها در ولایات در عین زمان مدیران مطبوعات نیز بودند و اداره کورسهای پشتو یکی از وظایف عمده ایشان محسوب میگردد در جریان همین فعالیت های خلافتان استاد حبیبی بود که اداره طلوع افغان، آثار مهم تدریسی بزبان پشتو را چاپ نمود مانند:

سپیخلی پښتو (قاموس فارسی- پشتو حاوی ده هزار لغت، با همکاری لعل محمد کاکړ، ۱۳۱۸ ش).

پوهاند حبیبی از ۱۳۱۹ تا ۱۳۲۰ مقام ریاست پشتو توله و معاونیت ریاست مستقل مطبوعات را عهده دار بود.

علامه حبیبی از ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۳ بحث مشاور وزارت معارف نیز ایفای وظیفه نمود.

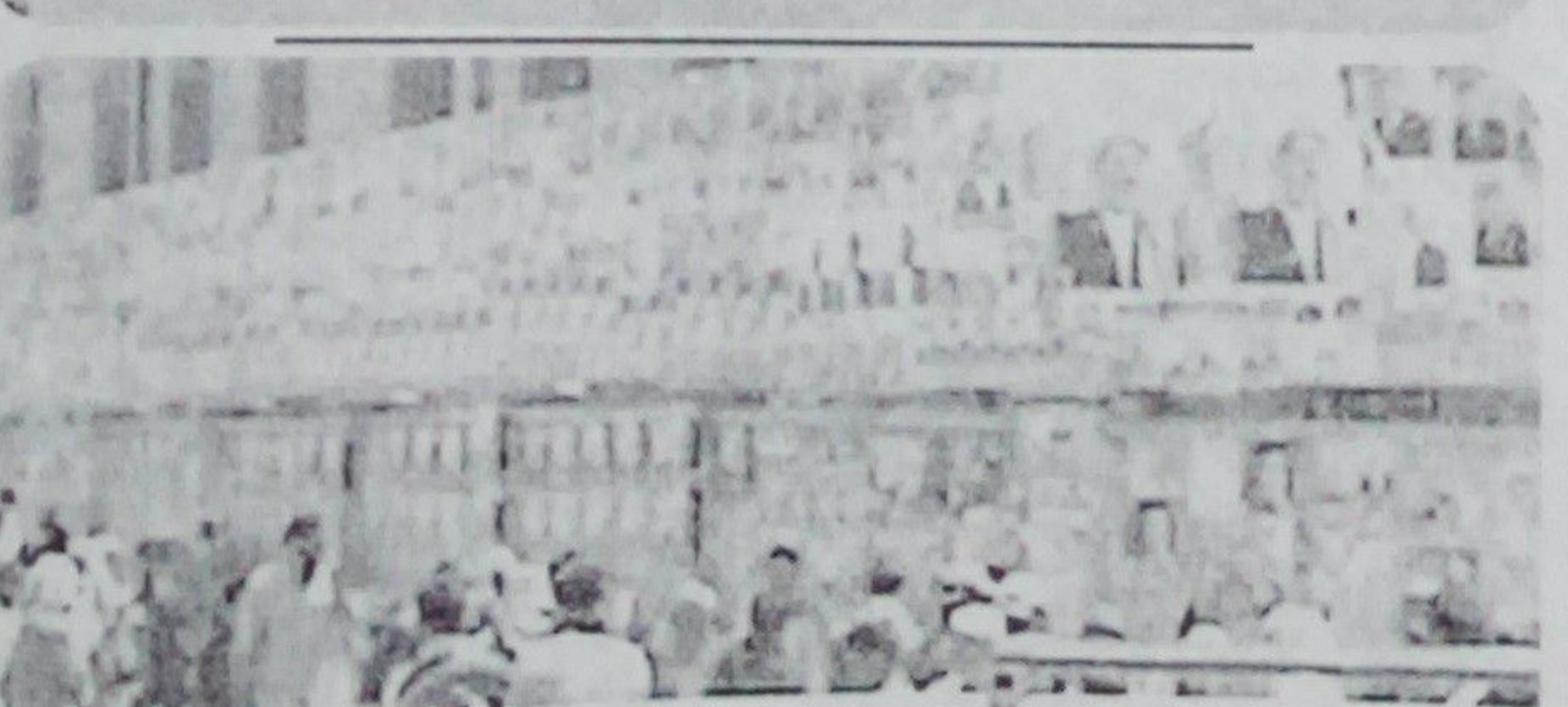
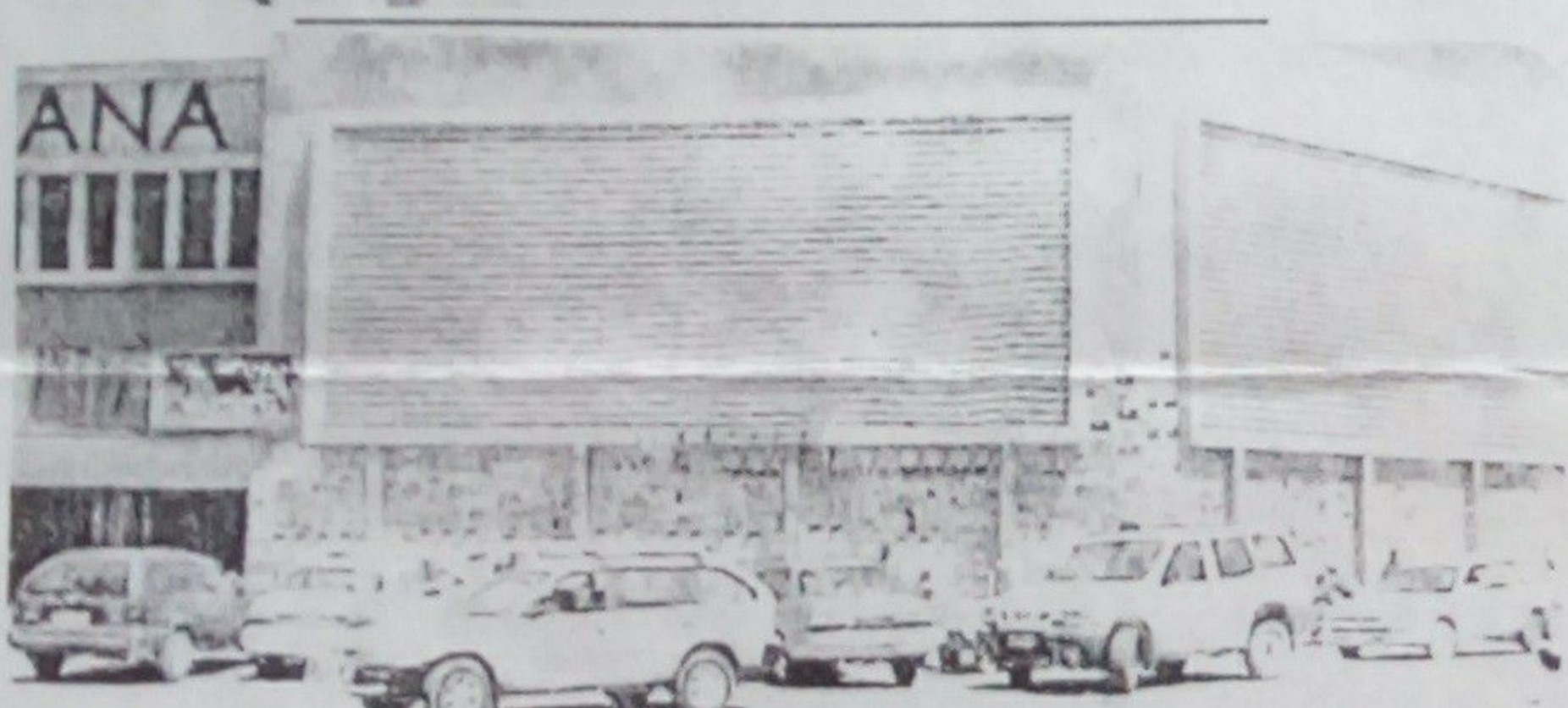
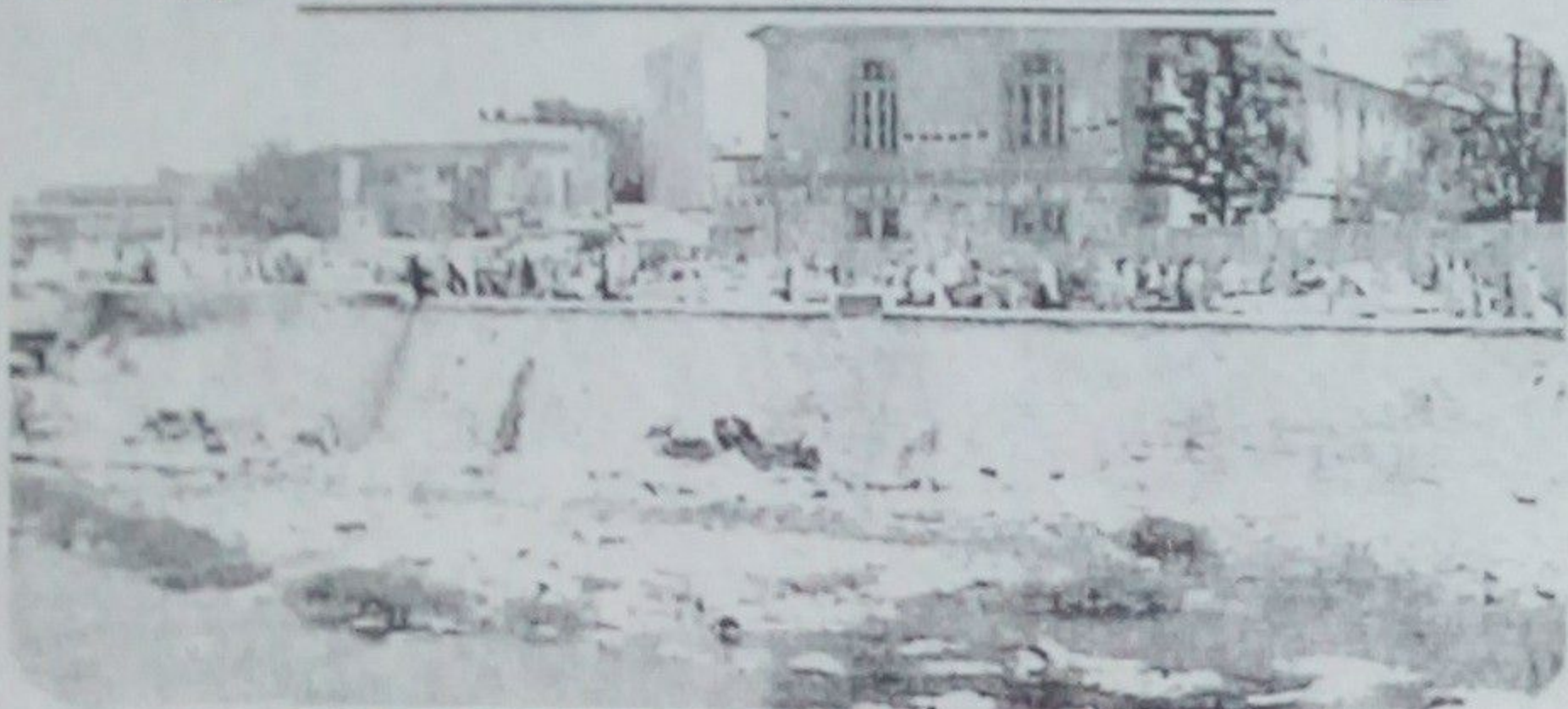
باید گفت که تا به ۱۳۲۳ در کشور عزیز مان صرف پوهنځي های طب و حقوق موجود بود که در تشکیل وزارت معارف بودند، ولی در سال ۱۳۲۳ پوهنځي ادبیات نیز در کنار آن تأسیس یافت که استاد حبیبی بحث نخستین رییس این پوهنځي امور تدریسی و اداری آن را عهده دار شد.

باید یاد آور شد که در بنیانگذاری و ایجاد پوهنځي ادبیات و علوم بشری، پوهاند حبیبی نقش بسزایی داشت؛ از این مدت تا ۱۳۲۵ پوهاند حبیبی بحث رییس پوهنځي جدیدالتأسیس ادبیات، رییس پشتو توله و نیز منبیت استاد تاریخ این پوهنځي ایفای وظیفه نموده است.

پوهاند حبیبی از سال ۱۳۲۵ تا ۱۳۲۶ بحث رییس معارف ولایت کندهار تقرر یافت که در خلال همین مدت امورات اداری و تدریسی تمام مکاتب آن ولایت و نیز افتخار استادی مضمون تاریخ لیه های همان شهر را

هنگامه انتخابات، در و دیوار های برکنار مانده

از انبوه کثافات شهر کابل را نیز آلوده نموده است.



بیا له پسه جونت سینگ شجاعت خان

و
چي ايميل يي په گنډاب ويوست دمار شپږم
جنگ مكرم خان شمشرخان دواړه
چي ايميل كړل په خاپښ كې تاريخه تاريخه
چي ځمپه ياد وي لوي جنگونه دادي
دهلكوبه هر لوري نشته شمار
هميشه فتح ونصرت دي لاثراوسه
پس له داده بياتكې به كړدگار
اورنگ زيب راته يو كال وشوچي پروت دي
به صورت حيران پریشان په زړه افكار
اورنگ زيب دريا كاري يوه مجسمه وه،
خپل استبداد ته يې داسلام رنګ ورکاوه
ولي په حقيقت كې هغه د مختلفو فرقو
ترمنځ تفرقه اچوله او په ماركياولستي
طريقه يې دخپل استبداد عمر او ساحه
پراخوله. دده په وړاندې په هندوستان كې
سيكانو، مراتيانو، بسنگاليانو او نورو
سرونه راپورته كړل، خوده سخت وټكول،
ولي دخوشحال خان او پښتنو څخه ډير
سخت نفرت كاوه لكه خوشحال خان چي
وايي:

چي په نام پښتون غورځيږي پري خوشيږي
اورنگ زيب هسي پدشاه دي داسلام
اورنگ زيب كلونه ټلونه دپښتنو سره په
تاوده ډگر كې ككړه جنگوله خوا بري يي
په نصيب نشو په پاي كې يي دپښتنو
د كمزوري رڼه پيدا كړ او پيسي يي ورته
وړاندې كړي او پدي توگه يي ددوي
ملاورماته كړه خوشحال خان وايي:
خزاني دهندوستان راخوري شوي
سره مهران دي ننوزي په كوهسار
د حيرانتيا خاي خود ادي چي داورنگ
زيب رويو دخوشحال خان زوي بهرام خان
هم له لاري ويوست او دپلار پرضد يي
راولار كې خوشحال خان ددغه منحرف اوبې
غيرته زوي په باب وايي:
څوك بهرام غوندي منحوس بد بخت
بخيل شي

په شامت يي خپل خانه شي تاريخه تاريخه
منافق ليم مردود دزمانې شي
په خپل پلار سره اغز كاندې كارزار
بهرام خان چي په ملبوري داورنگ زيب
طلاوي ترلي وي دخل پلار پرضد قيام
پيل كړ، خو خوشحال خان يي په جگړه كې
مات كړ او هغه دتوري او قلم پلار ددغه نا
اهله زوي له لاسه غروته وخوت او هلته په
۱۶۸۹ كال مړ شو.
خوشحال خان او اورنگ زيب نن نشته خو
ددوي دواړو ځيري تاريخ پرېانو كې
ترسيم شوي دي چي د انصاف په تله پريوه
بايد رحمت او پرېالفت وويل شي ځكه
پوه اولسونه په ريا كړي تر استبداد لاندې
ساتل او بل د هغه استبداد پرضد توره را
پورته كړي وه. ■

د خوشحال په شرقي د اورنگ زيب څيره

د دې دور شيخان ډير دي لور په لور
اورنگ زيب پادشاه دواړو دي انځور
په هغه چاره قلم ساز كا قران كښي
په هغه چاره شارك پري كا دورور
ددغه حيله گر پادشاه په دور كې دده
دفتو له لاسه ټولنه هم له يوه مخه دريا
كاري په توفان كې لاهو شوه او خوشحال
خان هغه داسي انځوروي:
وقت داورنگ شاه دي
د هر چا تسبيح په لاس دي
خداي ځيني خبر دي
په اخلاص كه په لباس دي
نازايي او اضطرابات د استبداد څخه
راز بري او خوشحال خان ددغي ټولني
انځور داسي ترسيموي:
داورنگ پادشاه په دور ارام نشته
چاويل چي جهان خاي دار امگاه دي
په همدغه وخت كې دهند په جنوب او
ختيځو برخو كې دانگليس دځيني كمپني
او پرتگال ترمنځ د استعمار په جال كې
دهند دراكښتو رقابستونه اوسيايي
رواني وي او دربار ډير ديو په وخت كې و،
ددې په اړخ كې فرانسوي استعمار طلبانو
د اورنگ زيب تر درباره لاسونه غزولي وه
او د دربار با نفوذه شخصيتونو يي په
سوغاتونو او رشوتونو را نيول.
خوشحال خان داصحنه په يوه بيت كې
داسي انځوروي:

په دوران ددې پادشاه هوشيار هغه دي
چي وطن كاپه فرنگ په پرتگال
اورنگ زيب لكه يوه بلاد داسي نازل شوي
و او دخپل استبداد دجال خپولو په
وړاندې هر څه له منځه وړل خوشحال خان
وايي:
څه يوازي په مانه ده كه ژوندي وي اورنگ
شاه به داسي ډير كاندې پايمال
چي په پلار باندې يي نه ده صرفه كړي
به نور چايي څخه څه يي اشكال
خوشحال خان او ملگرو يي د اورنگ زيب
پرضد پخپله دشپرو ډيرو لويو جگړو
قومانداني پر عهده درلوده چي دهغو
يادونه داسي كوي:
اول جنگ دلوري شاد تهتري وه
چي څلوېښت زره مغل شوي تاريخه تاريخه
خويندي لوري يي په بند دپښتنو
شوي اس اوښان هاتيان الجبه قطار قطار
دوهم جنگ پرحسيني په دوايه كې
چي يي وټكیده سر لكه دمار
بیا له پسه دنوشهر دكوټ جنگ وه
چي مي و كښ تر مغلو خپل خار

د دې دور سپين سبا ددوي له ظلم څخه په
نور ماښام بدل شوي دي خو ژر په داوښكو
بارانونه په يوه هوشاك توفان بدل شي او
ددوي پيري پكښي غرقه شي.
داورنگ زيب په امپراطوري كې خوشحال
خان خټك بل هغه يوازي شاعر دي چي په
خپلو اشعارو كې يي د اورنگ زيب انځور
ډير روښانه ايستلي او دهغه څخه يي ديوه
لوي اولس په نماينده گي خپل نفرت
څرگند كړي دي.
داورنگ زيب دشاه جهان دريم زوي و چي
ديوي ژوري توطي په عملي كولوي پلار
له تخته وغورځاوه، زندان ته يي واستاوه
دمرورور دارانگوه سري ريكمل
دستيد او خپله ورك شو ځيني وايي چي
داركان په غرو كې يي زمريانو گي ده
ورځيري كړه، كشرورور مراد بخش يي
لومړي بندي بيا په زندان كې وواژه، او
بلاخره يي اوه كاله پلار په زندان كې وساته
خو چي دمرگ غي ډي ته وسپاره.
دغه لويه فاجعه چي په جريان كې وه مونږ
ستر او جنگيالي شاعر دهغي صحنې
دسره سترگو ليدلي او ده پخپله دوه نيم
كاله ددغه مستبد او هولناك امپراطور
ددهلي او جيبور درننه پور په زندان كې
تير كړي وه، خو كله چي ازاد شونو دپښتو
نخوا غروته په رارسيدو يي دمستبد دربار
پرضد قيامونه پيل كړل او داسي جگړي
يي ورسره و كړي په يوه جگړه كې يي په
زرگونه پيلان، اسان او ډير سره اوسپين زر
په ولجه يووړل، په زرگونو پادشاهي
سپاهيان يي بنديان او داميرانو دكورني
بڼخي يي غروته وخيژولي.
خوشحال خان داورنگ زيب محبيلانه
شخصيت داسي انځوروي:

روابط با پاکستان

مصطفیٰ عمری

پاکستاني ها نیز میلی به آن دارند پس چرا افغانستان را با ثبات آن از دست بدهند؟ ای ابتکار در کنار کالاهای تجارتي، طالب، القاعده و حران های خود را نیز صادر میکند، چیزی که اگر افغانستان با ثبات شود و جلو آن گرفته شود، پاکستان را منجر خواهد کرد. برای دور نمودن ذهنیت های سایر اقوام محروم پاکستان از مشکلات داخلی آنان، باید سر آنان را در جاهای دیگری گرم کرد.
ببینید یک طالب پاکستانی برای مبارزه با کفر و بدعت هزاران کیلومتر دور تر از وطنش به افغانستان آمده و با همدستی طالبان افغانی آموزش ببیند و دختران را

منابع طبیعی ما که چیزی بیشتر از آنها، و بازارهای ما که در مقابل نفوس آن کشور و در برابر بازارهای داخلی آن ناچیز است، اهمیت نمیدهد.
تنها مشغله آنان ثبات ماست. این کشور چنانچه بارها گفته ام با تعقیب روش های استعماری، کمپنی هند شرقی در راهی قرار گرفته است که پیامد آن برای این کشور جز تجزیه، نمیتواند چیز دیگری باشد و برای حل آن نیز تنها با اشتراک سایر اقوام ساکن در این کشور آنهم به صورت واقعی در قدرت و تامین منابع حقیقی آنان از تجزیه اش جلوگیری کرده میتواند و پس، در صورتی که چنین جوی بوجود نیاید و

پاکستان که برای من تنها از مدرک پشتونها و بلوچها قابل درک میباشد به یکی از بدترین چالش های آبادانی، اقتصادی و امنیتی مان تبدیل شده است.
حکومت داران ما همیشه اذعان میدارند که ثبات در افغانستان به نفع پاکستان است ولی هرگز در بی دلیل منطقی این صحبت های خود تیر آمده اند. پاکستان هرگز به ثبات افغانستان علاقه نداشته و اگر هم چیزی بیان کرده، تبلیغاتی بوده است.

ثبات افغانستان برای پاکستان حکم زهر را دارد. بسیاری فکر میکنند که بازار های افغانستان و یا منابع طبیعی آن در صورت آرامش، پاکستان را کمک میکند تا وضعیت خود را بهتر بسازد. تجربه عملاً ثابت ساخته، پاکستان در کنار استفاده از این عنصر ها، بیشتر از بحران در افغانستان استفاده میرد. پاکستان بسیار به

گرفته و مردم مان را به پناهانه دین اردانش و علم محروم مینماید ولی در چند کیلومتری خانه اش در پاکستان از وجود روسی خانه ها و دب گری ها (لواخانه ها) که پسران در آن کار مینماید، شراب فروشی ها، نمایش قلهای سکس در سینما های پاکستان و فساد هنرمندان زن و مرد پاکستانی در لالیود و یا شهرک سینمایی پاکستان، خبر نمیشوند؛ که چگونه نیز دختران سینمای پاکستان برای رقص به لندن و فرانسه میروند. و به نماینده گي از کشورشان میرقصند. ولی همین طالب هزاران کیلومتر دورتر به افغانستان برای اسلام خواهی می آید، در کشوری که در زمان حضور روسها نیز کسی جرئت نداشت علنی شراب فروخته، فساد خانه درست نماید. تلویزیون دولتی در آلمان با تمام قوای روسی، آلمان ترویج فساد اخلاقی به مانند سایر کشورهای غیر اسلامی را از طریق نشر برنامه های مبتدل، به گور برد. فساد خانه های آلمان نیز خیلی پنهان بوده و تنها مکان های بودند برای دستگاه استخباراتی خادیت ها.
ولی این مسائل در جمهوری اسلامی پاکستان آزاد و علنی است.
بسیار شرمند صدا نمونه میتوان دریافت که چطور پاکستان از ثبات در افغانستان هراس دارد و چگونه دین مداران فریکار و فریخوردگان شان میتواند از ثبات در افغانستان راضی باشند؟ در پاکستان همه مسائل از سوی دستگاه حکومتی پنهانی اداره میشود. کسی مجالی برای فعالیت دلخواه ندارد جز آنکه حکومت پاکستان بخواهد. رابطه ما با پاکستان نیاز به تجدید نظر جدی دارد. ■

پاکستان به بهانه مبارزه علیه تروریزم...



آی اس آی طالبان را خطر بزرگ ندانسته و گفته است، که پاکستان قصد مبارزه با آنده از طالبان را دارد، که از آنها برای پاکستان خطر احساس میکند و در مقابل طالبانی که برای افغانستان و هند مشکل ایجاد میکنند، بی تفاوت است.

نور الحق علومی، کارشناس مسایل نظامی در رابطه به این موضوع به آژانس باختر گفته، تاکید آی اس آی بر مذاکره با طالبان میرساند، که آن اداره ایجاد گر، تسلیح کننده و سوق دهنده طالبان است.

علومی میگوید، چنین تاکیدات استخبارات پاکستان نباید دور از توقع باشد، زیرا آی اس آی در موجودیت طالبان مفاد خود و حکومت پاکستان را می یابد. چنانکه تا کنون تحت نام مبارزه علیه همین گروه ملیونها دالر و وسایل نظامی را حاصل کرده و میکوشد، که این پروسه تا دراز مدت ادامه یابد.

علومی اظهار داشت که احساس خطر استخبارات پاکستان از عملیات هلمند بی مورد و دور از حقیقت است، زیرا این عملیات برای سرکوبی طالبان نه، بلکه بخاطر فرصت دهی برای طالبان است، تا آنها بتوانند به سمت شمال افغانستان بروند، چنانکه در روزهای اخیر شاهد حوادث در آن مناطق بودیم.

نور الحق علومی با تائید نظریات مسوولین اداره او با اظهار میدارد که پاکستان از طرف آنده حکمتهان است، که خاص آنها را

بخاطر افغانستان تربیه و آموزش نموده احساس خطر نداشته و خواهان مذاکره است، اما با آنده که در ضدیت با حکومت پاکستان قرار دارد، میخواهد مبارزه کند.

وحید مزه کارشناس سیاسی افغان، تاکید آی

اس آی را بر مذاکره با طالبان از زاویه دیگر نگریسته بر علاوه که آرای بی اساس میداند میگوید، بدون شک هلمند در نزدیکی بلوچستان قرار دارد و سالهای قبل، افغانها و

مجاهدین به بلوچستان رفت و آمد داشتند و سالها قبل مشکل میان بلوچها و حکومت

کمپ های مهاجرین در آنجا بود، اما این به آن منتهی نیست، که با آغاز عملیات در هلمند، طالبان به بلوچستان میروند.

مزه میگوید، قبلاً از عملیات هلمند و حتی از سالها قبل مشکل میان بلوچها و حکومت

پاکستان موجود بود و بلوچها تاکید بر استفاده از نفت و گاز بلوچستان، در بلوچستان دارند، نه در پنجاب و سایر نقاط آن کشور. وی گفت، قبلاً پاکستان به امریکا تعهد سپرده بود، که با آغاز عملیات در هلمند عساکر خود را غرض جلوگیری از نفوذ طالبان در بلوچستان، در سرحدات جا به جا میکند، اما اکنون مشکل مالی میان دو کشور مذکور ایجاد شده، پاکستان در این مساله صادق نموده و میخواهد با استفاده از این گونه تیرنگها کمک بیشتر مالی حاصل نماید. وحید مزه عملیات هلمند را موفق ندانسته و خلاف نظر برخی کارشناسان، نا آرامی های شمال افغانستان را با این عملیات مرتبط نمیداند.

وی میگوید که طالبان ماه ها قبل با نشر اعلامیه ها از راه اندازی فعالیتهای نظامی در شمال افغانستان در سال روان خبر داده بودند و حتی یک تعداد افراد خود را منحیث مسوول در بعضی ساحات شمال معرفی نموده بودند.

وحید مزه اضافه کرده میگوید:

افغانها از قبل این موضوع را میدانستند و اظهار میکردند، که مورد توجه جهانیان قرار نمیگرفت، اما اکنون همه پی برده اند، که کلید مشکلات در کجاست و پاکستان نباید برف بام خود را بالای بام دیگران بیاندازد و همچنان جامعه جهانی و امریکا بجای مدارا با آن کشور فشار بیشتر را وارد سازند، تا صادقانه در مبارزه علیه تروریزم گام بردارد. ■

آرزوهای مردم بدون شک...



میگردند، از همه کس اعتماد شان را بریده اند. از زبان هر هموطن به استثنای اشخاص، افراد و دوستان شخصی کاندیداها گفته میشود، اگر من رأی بدهم و یانه، کسی درین پست انتخاب و یا تعین خواهد شد.

با در نظر داشت تذکار فوق که گفته آمدیم انتظار می رود تا مردم اگر بتوانند شخصیت های محترمی که خود ها را کاندیدای پست ریاست جمهوری نموده اند، با اعتماد سازی مجدد مردم را در روند مسوولیت پذیری برای اشتراک در انتخاب رئیس جمهور آینده ترغیب نمایند، تا از بی تفاوتی و دل سردی موجود که هر کدام (بسه من چی بگویند) کاسته شود. ثانیاً ایجاب مینماید، تا لقمه نانی که از کمک های خارجی و یا عواید داخلی بدست می آید، عادلانه توزیع نمایند، تا دیگر مردم رهبران سیاسی شان را به دیده شک و تردید ننگرند. ■

شک شریفانه و معقول است، پایه پای مردم حرکت کرده در برطرف ساختن مشکلات مردم یکی بی دیگر اقدام لازم نماید، هیچگاهی چنین نشده است.

این بار هم تعدادی از شخصیت ها بار دیگر روی بازار سیاست چنه میزنند و مردم را تشویق و ترغیب می نمایند، تا هنگام رأی دهی، رأی شان را به نفع آنان بریزند.

با توجه به سالهای پیشین که هیچکس، هیچ نظام و هیچ حکومت به خواست های معقول شان پاسخ مثبت نداده است، همه افراد و اشخاص ارکان ثلاثه در امتیاز گیری مقام اول و در خدمت گزاری در صف اخیر و حتی ناکام بوده اند. بعید به نظر میرسد تا مردم با شور و شعفی که در گذشته ها در کارزار سیاسی سهم می گرفتند، این بار هم مکلفیت و مسوولیت خویش را ادا نمایند.

مردم به همه کس به دیده شک و تردید

شرکت مخابراتی روشن با برنامه...

شرکت مخابراتی روشن دعوی را در لوی خرنوالی و همین گونه در اداره (اترا) وزارت مخابرات و تکنالوجی معلوماتی به راه انداخته ایم که دوسیه نسبتی ما علیه شرکت روشن در اداره اترا در حال جریان است.

بعید از امکان نیست که شرکت مخابراتی روشن به محکمه بین المللی به خاطر تقلب کاری ها و فریب کاری هایش معرفی گردد و این شرکت لغو گردد. ■

شرکت روشن و برنامه های آن بود.

متأسفانه که این برنامه کاملاً دروغ بوده و برای فریب مردم و مشتریان روشن و اختلاس پول مردم به شکل غیر مستقیم، ارائه شده بود.

باید تذکار داد که چون تعداد کثیری از مشتریان روشن از این طریق فریب خورده اند، ما به خاطر اعاده حقوق تلف شده کسانی که فریب خورده اند و هم اعاده حقوق ضایع شده خود ما، بالای مسوولان

توضیح مطلب این است که، شرکت مخابراتی روشن به ماسبت سال نو مسابقه ذهنی را زیر نام نوروز را با روشن تجلیل کنید و برنده کرولا شوید، راه اندازی نمود.

این مسابقه طوری بود که مشتری به جواب سوال های که در برنامه روشن اشتراک میکرد جواب ارائه مینمود، البته این سوال ها راجع به مسایل ادبی، اجتماعی، تاریخی، جغرافیا و معلومات راجع به

مشکلات اجتماعی مردم

اینجا ثریا، خاتم غلام یحیی قادری هستم. شوهرم در زمان طالبان که در دواخانه کار می کرد از طرف طالبان مورد شکنجه قرار گرفت و ناگزیر کشور را در

سال ۱۳۷۹ ترک کرد و از طریق کشور پاکستان به کشور انگلستان در سال ۲۰۰۲ رفته و آنجا پناهنده شده است که یک پای آن نیز معیوب میباشد.

از همان زمان تا کنون در خانه های کرایبی با سیار مشکلات حیات به سر

می برم. برادر شوهرم که قبلاً همراهی ما همکاری میکرد شش ماه قبل در راه لوگر شهید شد. اکنون مشکلات ما بسیار زیاد است، خواهش مندیم جامعه مدنی و یا دولت انگلستان در مورد ما را یاری رساند. ■

صاحب امتیاز: انجمن شاعران و نویسندگان افغانستان

رئیس انجمن: حیات الله «بخشی» ۷۹۹۳۱۳۸۲

مدیر مسوول: مصطفی «عمرزی» ۷۹۹۸۸۴۲۶۵ mustafa_omarzai@yahoo.com

• زیر نظر گروه دبیران به چاپ میرسد.

• آراء و اندیشه ها به نویسنده مطلب تعلق دارد.

• مسوولیت نوشته ها به دوش نویسنده است.

• قلم در ویرایش مطالب دست باز دارد.

• مضامین وارده دوباره مترد نمی گردد.

• قلم از قلم به دست دعوت به همکاری مینماید.

• بهای یک شماره: پنج افغانی

• دیزاین و چاپ: مطبعه طباعتی و صنعتی محسنی ۷۰۰ ۶۷۳۳۴۰

QALAM

Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library